روزنامه شرق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۲-۸۸۶۵۴۳۹۱ نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
امور مشترکین: تلفن: ۳۲-۸۸۸۱۴۲۳۰
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۲۱۳۰
چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۸۰۶۲۷۶
www.sharghnewspaper.ir
تهران: اذان ظهر ۱۳:۰۴ اذان مغرب ۲۰:۴۱ اذان صبح فردا ۴:۰۲ طلوع آفتاب ۵:۴۸

روزنامه شرق

یکشنبه ۲۱ خرداد ۱۳۹۱ • ۱۹رجب ۱۴۳۳ • ۱۰ ژوئن ۲۰۱۲ • سال نهم • شماره پیاپی ۱۵۴۹ • شماره ۶۲۵ دوره جدید • ۲۰صفحه

کتاب زندگی «ناصر حجازی» چاپ شد

بیست و یکمین کتاب از مجموعه «مفاخر ایران‌زمین» که به زندگی «ناصر حجازی» اختصاص یافته است، همزمان با اولین سالگرد درگذشت این چهره محبوب ورزشی به چاپ رسید. این کتاب شرح مختصری از زندگی مرد بلندآوازه فوتبال ایران است که با موافقت و همکاری خانواده وی تهیه و چاپ شده است. این کتاب ۱۰۴صفحه‌ای (قطع جیبی) که با شمارگان ۲۰۰۰ نسخه به چاپ رسیده است، در مراسم بزرگداشت ناصر حجازی رونمایی خواهد شد.

جنگل آسفالت

نگاهی به فیلم «اخلاقتو خوب کن»

فیلم اخلاقی، به چه قیمتی؟

حامد محمدی‌کنگرانی
روانپزشک، روان‌درمانگر

■ در فیلم ارتباط فرانسوی ۲ (جان‌فرانکن هایمر ۱۹۷۵)، جن هاکمن کارآگاه لجباز پلیس مبارزه با موادمخدر، از سوی قاچاقچیان ربوده و با تزریق اجباری هروئین، معتاد می‌شود و در نهایت با تزریق مقدار زیادی هروئین به حال خود رها می‌شود. در یک سکانس نسبتا طولانی و تکان‌دهنده عملیات احیای قلبی- ریوی روی او که به علت مصرف زیاد موادمخدر دچار ایست قلبی-تنفسی شده است، انجام می‌شود. این سکانس از نظر توجه به جزییات علمی-پزشکی حیرت‌آور و حتی قابل تدریس است. در محلی با کمترین امکانات پزشکی (در کمد را زیر بدن مصدوم می‌گذارند) نکاتی رعایت می‌شود که به جرات می‌توانم بگویم در برخی اورژانس‌ها و بیمارستان‌ها رعایت نمی‌شود.

در سال‌های اخیر سریال‌هایی مانند بخش اورژانس، آناتومی گری، اسکرابز و شاهکار آنها دکتر هاوس، پزشکی را با تمام جزییات و ظرایف علمی و با جذابیت بسیار به تصویر کشیده‌اند. اما اگر از سینمای مبتذل و سطحی هالیوود بگذریم، در سینمای ایران سال‌هاست که جزییات که هیچ، از خیر رعایت کلیات و اصول بدیهی علم پزشکی هم گذشته‌ایم. دیگر هیچ گوش شنوایی وجود ندارد که لطفا برای فیلم‌هایتان از یک کارشناس پزشکی استفاده کنید و شوک قلبی را از روی لباس انجام ندهید.

اما آنچه انگیزه نوشتن این مطلب شد، توفیق اجباری (واقعا اجباری) بود که نصیبم شد و مجبور شدم در تعطیلات هفته گذشته، دوبار فیلم «اخلاقتو خوب کن» را ببینم. فیلمی با اشتباهات پزشکی متعدد که قرار بوده فیلمی اخلاقی و معنوی باشد، با شعارهای گل‌درشت و سطحی و استفاده از کلمه اخلاق در نام فیلم، حتی اصول اخلاق حرفه‌ای در شغل پزشکی را هم زیر پا گذاشته است. در پزشکی، اصول اخلاق حرفه‌ای به جز در موارد بسیار نادر و از پیش مشخص شده، در تمام کشورهای جهان غیرقابل تغییر و لازم‌الاجراست و عدم رعایت آنها از سوی پزشک، تبعات بسیار سنگین قانونی برای او دارد و در صورت رعایت نشدن از سوی جامعه پزشکی، باعث از بین رفتن اعتماد بین بیمار و پزشک که لازمه درمان است، می‌شود. از مهم‌ترین این اصول، رازداری و گفتن حقیقت به بیمار است و فکر نمی‌کنم نیازی به دلیل برای نشان دادن اهمیت آنها باشد. در صحنه‌ای از فیلم که دو بیمار همزمان در یک اتاق ویزیت می‌شوند (کاری غیراخلاقی)، پزشک به یکی از بیماران (فرشته، با بازی الهام حمیدی) می‌گوید که هیچ مشکلی ندارد، زندگی ادامه دارد و برود زندگی‌اش را بکند (نقل به مضمون). برگه آزمایش او در اتاق جا می‌ماند و پزشک به‌راحتی بخشی از پرونده محرمانه بیمار را به همراه بیمار دیگر (با بازی جواد رضویان) می‌دهد تا به او بازگرداند. او که ظاهرا دانشجوی رشته علوم‌آزمایشگاهی است (کاردانی یا کارشناسی‌اش مشخص نیست) به سادگی با دیدن آزمایش متوجه می‌شود که فرشته سرطان دارد و نوع، درمان و مدت‌زمان زنده ماندن او را هم مشخص می‌کند! و نتیجه می‌گیرد به علت وخامت حال او، پزشک به فرشته دروغ گفته و به اصطلاح او را جواب کرده است با این استدلال که نباید او را آزار داد. حتی وقتی بار دوم فرشته و ابراهیم (با بازی حامد کمیلی) پیش پزشک می‌روند، همان صحبت‌ها را با قاطعیت تکرار می‌کند و در نهایت در برابر اصرار ابراهیم برای رفتن پیش پزشک دیگر، ناچار می‌شود که حقیقت را بگوید در حالی که پزشک باید همیشه حقیقت را به بیمار بگوید، هرچقدر که تلخ باشد، اما با لحنی امیدوارکننده (جز در موارد بسیار نادر و استثنایی و آن‌هم به طور موقت). درمان‌های ممکن، نتایج احتمالی آنها و شدت بیماری را توضیح دهد و در نهایت تصمیم‌گیری با خود بیمار است و پزشک به هیچ‌وجه حق ندارد به جای او تصمیم بگیرد. در صحنه‌ای دیگر با یک تماس تلفنی ساده، پرستار بیمارستان شماره موبایل یک دختر مجرد را به غریبه پشت خط می‌دهد (حیرت از این همه رازداری در سیستم درمانی)به هیچ وجه مخالف شخصیت پزشک خیانتکار، قاتل، ناشی یا دزد نیستم و اعتقاد دارم در هر حرفه‌ای، همه‌جور آدمی پیدا می‌شوند، اما در این فیلم، شخصیت پزشک با چهره همیشه نورانی آقای صدیق‌شریف با آن مو و ریش سفید و به عنوان شخصیتی مثبت و پزشکی ماهر، دچار این اشتباهات فاحش حرفه‌ای و نه علمی می‌شود. نکته جالب آنکه این موارد، پایه و اساس وقایع فیلمنامه و پیش‌برنده داستان فیلم در دست رضا مقصودی (فیلمنامه‌نویس لیلی با من است و شیدا) است. تجسم کنید پیش پزشکی بروید که نه رازدار شما باشد و نه حقیقت را به شما بگوید، چه احساسی پیدا می‌کنید؟ تازه مدام از شما بخواهند که اخلاقتان را هم خوب کنید. چه کسی باید اخلاقش را خوب کند؟ فیلمسازان گرامی، خواهش می‌کنم در مورد کلیات و جزییات علم پزشکی هرچه می‌خواهید فیلم و سریال بسازید و حرف ما را گوش نکنید ولی تمنا می‌کنم دست از سر اصول اخلاق حرفه‌ای پزشکی بردارید که بازی با آتش است و با اخلاقیات جامعه بیش از پیش بازی نکنید. فیلم شما دقیقا نقض غرض است.

برداشت آخر

رقابت گروه موسیقی «نیوش» با ۶۶ اثر در فستیوال بین‌المللی «وووماد»

«بازکن چشمت را...» در راه لندن

پوریا سوری

سهم موزیسین‌های ایرانی از شرکت در فستیوال‌های موسیقی بین‌المللی چقدر بوده و این حضورهای محدود چه میزان کامیابی به همراه داشته است؟ این سوالی است که هرگاه پرسیده می‌شود بی‌درنگ ذهن‌مان گره می‌خورد به نام‌های بزرگ موسیقی کشورمان چون محمدرضا شجریان، شهرام ناظری، حسین علیزاده و کیهان کلهر که در آن میان سهم کیهان کلهر در همکاری با بزرگان موسیقی جهان در سال‌های اخیر چشمگیر بوده است و موفقیتش به همراه گروه «راه ابریشم» در جایزه «گرمی» گواه این مدعاست.

با وجود موفقیت‌های به دست آمده اما آنچه که می‌توان به قاطعیت گفت این است که موسیقی ایرانی به دلیل محدودیت‌های کلامی، سازی و تِم غم‌انگیزش در سال‌های اخیر چندان مورد توجه و اقبال جهانی نبوده است و برطرف کردن این نگاه سرد به موسیقی ایرانی در گرو فعالیت‌های تازه و همراه با ابداعی است که برخی جوان‌های موسیقی در حال انجام آن هستند.

یکی از همین موفقیت‌ها که اخیرا به دست آمده و هنوز می‌تواند وسعت پیدا کند مربوط به گروه «نیوش» به سرپرستی «سروش قهرمانلو» است که در جشنواره «وووماد» از میان هزاران اثر برگزیده شده و به همراه ۶۶ اثر دیگر از بزرگان موسیقی جهان به مرحله نهایی (رای‌گیری) گام گذاشته است. نکته جالب درباره جشنواره موسیقی «وووماد» و حضور گروه جوان «نیوش» در آن، این است که تاکنون در این جشنواره از ایران فقط گروه «کامکارها» پذیرفته شده و البته از موزیسین‌های معروف در نزد ایرانیان «ژیوان گاسپاریان» ارمنستانی که با حسین علیزاده در «به تماشای آب‌های سپید» همکاری داشته به این فستیوال جهانی راه یافته است و همین امر اهمیت حمایت از گروه «نیوش» را در این فستیوال پررنگ‌تر می‌کند. چراکه هر ساله هزاران درخواست برای شرکت در این فستیوال از طرف گروه‌های مختلف جهان داده می‌شود که از طرف هیات داوران این فستیوال فقط تعداد محدودی جهت رای‌گیری مردم انتخاب می‌شوند. امسال هم چنانکه پیشتر هم اشاره شد در بین گروه‌های منتخب هیات داوران، از ایران گروه موسیقی «نیوش» (NIOOSH BAND) در کنار ۶۶ گروه دیگر از سرتاسر دنیا برای رای‌گیری مردم انتخاب شده که در صورت برنده شدن گروه نیوش در این رای‌گیری باید شاهد اجرای کنسرت گروه به تاریخ هفتم مرداد در حضور ۳۰هزار نفر در لندن باشیم.

لازم به ذکر است که گروه نیوش با آهنگ «بازکن چشمت را...» با آهنگسازی مشترک کامران رسول‌زاده و سروش قهرمانلو و ترانه‌ای از رسول‌زاده و به خوانندگی سروش قهرمانلو که از شاگردان مطرح «استاد جلال ذوالفنون» بوده است در این فستیوال شرکت کرده است. رای‌گیری فستیوال وووماد از پنجشنبه ۱۸ خرداد آغاز شده و این رای‌گیری تا هشتم تیر رر آدرس اینترنتی: - http:/apps.facebook.com/woma bandcomp/band_detail. php?band_id=90 ادامه دارد و علاقه‌مندان می‌توانند برای حمایت از این گروه به آدرس یاد شده مراجعه کنند.

درباه «وووماد»

فستیوال وووماد (WOMAD) در سال ۱۹۸۰ توسط پیتر گابریل، توماس برومن، باب هوتن، استفان پریچارد، مارتین البورن و جاناتان آرتور بنیان گذاشته شد و اولین دوره آن در سال ۱۹۸۲ در کشور بریتانیا به اجرا در آمد که طی آن تماشاچیان موفق به تماشای اجرای پیتر گابریل، دان شری، گروه بیت، گروه سازهای کوبه‌ای و ضربی بروندی، گروه اکو و بانی من، امرات خان، پرینس نیکو، سیمپل مایندز، سان آو آرکا، گروه چیفتانز و اکمو شدند.

در وب‌سایت وووماد پیرامون فلسفه این فستیوال آمده است: وووماد همواره به ارایه آن دسته از موسیقی‌هایی پرداخته که فارغ از هر نوع محدودیت در فضای هنری و منشا جغرافیایی، از آنها مفاهیمی چون تعالی انسانی، عطوفت و وحدانیت سرچشمه می‌گیرد. این جشنواره با دعوت از هنرمندان برای اجرای زنده؛ تلاش می‌کند حس همکاری و همدلی را بین آنان افزایش دهد. از همان ابتدا، نام وووماد با آغاز برگزاری فستیوال‌های موسیقی، به صورتی انعکاس یافت که امروزه همگان این فستیوال را جلوه‌ای از یک فضای موسیقایی الهام‌بخش می‌دانند که بیش از هر چیز تلاش می‌کند جهانی بی‌مرز را از طریق موسیقی و حرکت معرفی کند.

بوی جوی مولیان

ای کاش زمان می‌ایستاد

نورالدین عبداله‌پور

مرگ نهایت است. عدم در ذات ماست و باور مرگ بزرگان چه طاقت‌فرسا و باورنکردنی. هنوز سه ماهی از درگذشت «سیمین دانشور» نویسنده شهیر نمی‌گذرد که چهره ماندگار ریاضی کشور استاد «پرویز شهریاری» هم به دیار باقی شتافت و بعد معلم بزرگ، ادیب، شاعر، لغت‌شناس و سخنور زبان و ادبیات فارسی، استاد «دکتر حسن احمدی‌گیوی» ناباورانه دارفانی را وداع گفت. طبیعت زیبای شمال کشور همجواری کوه و دریا. نگارنده در دوره راهنمایی و دبیرستان با شور نوجوانی و فخرفروشی به خود می‌بالید که کتاب دستور زبان‌فارسی که معلم آن را به شیوه و سلیقه خود تدریس می‌کرد و خود از دانشجویان دکتر حسن احمدی بوده نویسنده‌اش همشهری‌اش است.معلم ما می‌گفت: دکتر حسن احمدی‌گیوی یک انسان والامقام، نکته‌سنج با متانت و نستوه بود که زبان‌فارسی را میراث ارزشمند نیاکان، شاعران بزرگ و دریای بیکرانی می‌دانست که سال‌های طولانی در آن غوطه‌ور و دنباله‌رو حقیقت و جوهر واقعی ادب بود. او استادی خلاق، الهام‌بخش و کوشا بود. صدای معلم همیشه در گوشم هست.دکتر احمدی معلمی بزرگ از کاروان ادب و فرهنگ ایران بود که سال‌های گرانبهای عمرش را صرف تدوین، تحقیق و پژوهش در پیشبرد و آگاهی‌بخشی و ارتقای فکری نسل جوان و تعلیم و تربیت با دانش وسیع در حوزه زبان و ادبیات فارسی کرد، که از ذخیره‌های گران‌سنگ و از استوانه‌های فرهنگ و ادب ایران به شمار می‌آید که آثار گران‌سنگ و ارزشمندی از خود به یادگار گذاشت و نهال این مرز و بوم را باورتر کرد که نظیرش را امروز کمتر می‌توان یافت.امروزه باید به‌نام استاد، مجتمع بزرگ آموزشی احداث و تندیس ایشان توسط مسوولان شهری و فرهنگی در آن شهر کوچک نصب شود. جوایز فرهنگی و ادبی، یادواره‌ای هرساله برگزار شود تا چراغ راه آیندگان آن خطه مردپرور باشد.به مدت چندین سال همشهریان، دانشجویان، دوستدارانش و هرکس که بهره‌ای از علم و دانش او برده به انتظار نشسته بوده‌اند تا براساس تداوم یک زندگی در ابعاد انسانی و ادبی، شایستگی‌ها، لیاقت، مطالعات و تحقیقات غنی و پربار در رشته زبان و ادبیات فارسی استاد به عنوان یکی از «چهره‌های ماندگار» انتخاب و معرفی شود. افسوس که این فرصت فراهم نشد و این فرصت گرانبها از دست رفت.خوشبختانه در سال‌های گذشته به همت و تلاش ستودنی دوست و همکار فرهیخته‌ام جناب آقای «محمد علیزاده» فیلم مستندی از استاد برای صداوسیمای مرکز اردبیل تهیه و تولید شد. اگرچه اینجانب آن فیلم را ندیدم، ولی می‌دانم که استاد در گفت‌وگوهایش با من از آن فیلم اظهار رضایت داشتند و قدردان بودندای کاش زمان می‌ایستاد تا فیلم مستندی دیگری با هدف به تصویرکشیدن و ثبت‌حذف لحظات کار، زندگی و واکاوی ناگفته‌ها ساخته می‌شد. غروب سخت و سهمگین، صدای تلفن‌های بی‌جواب. دریغا تنها شدن، نفس‌ها در سینه حبس. چشم‌ها مات، نگاه‌ها سرد. استاد از میان ما در بهت و حیرت رفت. روزگار می‌گذرد. رها شد. گذر زمان حقایق را روشن‌تر خواهد کرد.

رویداد

کارگاه آموزشی «حذف زواید بصری» برگزار می‌شود

کارگاه آموزشی «حذف زواید بصری» از سوی سازمان زیباسازی شهر تهران و با حضور پروفسور «ژان میشل گوژت» استاد دانشگاه پاریس طی دو روز در مرکز همایش‌های بین‌المللی برج میلاد برگزار می‌شود. به گزارش روابط عمومی سازمان زیباسازی شهر تهران در این کارگاه دو روزه موارد و موضوعاتی همچون «مفهوم زواید بصری و جایگاه و اهمیت حذف این زواید در نمادهای شهری»، «بررسی تجربیات جهانی درخصوص برخورد با حذف زواید بصری» و «بررسی مفاهیم اقتصادی و ارزش افزوده ناشی از حذف زواید بصری» از سوی کارشناسان و صاحبنظران به بحث، نقد و بررسی گذاشته می‌شود. همچنین موضوعات دیگری از جمله بررسی زیرساخت‌های فرهنگی و تجارب مشارکت‌های مردمی، ارایه پروژه‌های عملی در این زمینه و بررسی موارد حقوقی و قوانین و مقررات موجود در مدیریت شهری ایران نیز در این کارگاه آموزشی دو روزه ارایه می‌شود. بازدید از بافت تاریخی شهر تهران و خیابان‌های لاله‌زار، میدان امام خمینی(ره)، خیابان ناصرخسرو و خیابان پانزده‌خرداد از دیگر برنامه‌های کارگاه آموزشی «حذف زواید بصری» است. در این کارگاه به جز پروفسور گوژت، کارشناسان و صاحبنظران ایرانی از جمله سعید سادات‌نیا، امیرمسعود انوش‌فر، مریم سبزواری، اکبر تقی‌زاده و نوا توکلی‌مهر به سخنرانی و ارایه دیدگاه‌های خود می‌پردازند. این کارگاه از ساعت هشت صبح ۲۱ خرداد به مدت دو روز در سالن شماره پنج مرکز همایش‌های بین‌المللی برج میلاد تهران برگزار می‌شود.

بی‌تعارف

تیترهای خواندنی

مینو مشیری

■ این هفته برایتان چند تیتر از روزنامه‌های ینگه دنیا انتخاب کرده‌ام که به احتمال موجب شعف و انبساط خاطرتان خواهد گردید. البته این تیترهای به‌یادماندنی از روزنامه‌هایی چون نیویورک‌تایمز، یا واشنگتن‌پست، و یا لس‌آنجلس‌تایمز نقل نشده‌اند، اما کاملا واقعی‌اند و برگرفته از تعدادی روزنامه‌های محلی و شهرستانی آن دیار هستند. بخوانید و خود قضاوت کنید:

- به منظور شادی دانش‌آموزان گروهی آوازه‌خوان به مدرسه ناشنوایان رفتند.
- قربانیان قتل به ندرت حاضر به صحبت و همکاری با پلیس می‌شوند.
- بیمارستانها به عنوان آخرین چاره متوسل به استخدام پزشک شده‌اند.
- در طرح جدید بیمه‌درمانی، بیمه‌شدگان مکلف به دادن دو روز اخطار قبلی برای بیمار شدن هستند.
- تظاهرات علیه بی‌تفاوتی تعدادی اندک را به میدان کشانید.
- درمان معجزه‌گر پنجمین قربانی‌اش را گرفت.
- از گرسنگی تلف شدن می‌تواند منجر به خطراتی برای سلامتی گردد.
- والدین برای اعتراض به بسته شدن مدرسه بچه‌هایشان را در خانه نگهداشته‌اند.
- پلیس فدرال در عملیاتی ضربتی در یک اسلحه‌فروشی سلاح کشف کرد.
- برای اطلاع‌رسانی کمبود بودجه، ایالتی ۲۵۰ هزاردلار خرج تبلیغات می‌کند.
- برای مردی متهم به قتل وکیل خود، وکیل جدیدی تعیین می‌شود.
- شهروندان دلیل بوی نامطبوع مجرای فاضلاب را نمی‌دانند.
- پل‌ها کمک می‌کنند تا مردم از روی رودخانه‌ها عبور کنند.
- هنگام تخریب آرامگاهی، کارگران تابوتی پیدا کردند.
- خودروی ارتشی ۷۴ هزاردلاری پس از پوشش استتاری ناپدید شد.

و این آخری هم بهترین تیتر ممکن است که امکان ندارد بتوان ترجمه‌اش کرد. اگر توانستید نزد من جایزه دارید:
«Meat Head Resigns» همین.

کارتون‌خواب
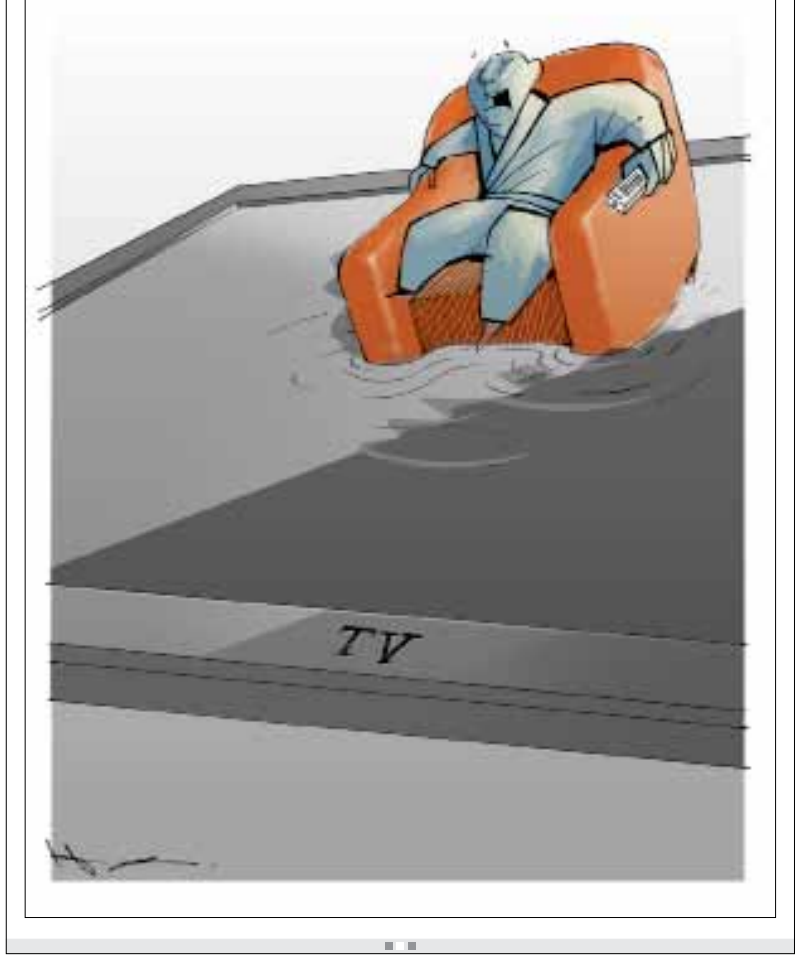
حسن کریم‌زاده
www.karimzadehstudio.com